

فلسفه دین، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸
صفحات ۱۵۶-۱۳۳ (مقاله پژوهشی)

تحلیل رابطه انسان و خدا در دین زرتشتی بر اساس رویکرد پدیدارشناسی

سیدسعیدرضا منتظری*

استادیار، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۱۸)

چکیده

یکی از مسائل مهم در حوزه تحقیقات دینی، تبیین ماهیت و کیفیت رابطه انسان و خداست، به ویژه که در بسیاری از ادیان، سعادت نهایی انسان در گرو برقراری ارتباط صحیح با خداوند دانسته می‌شود. در این زمینه، آیین زرتشتی با رویکرد خاصی که به خدا، نظم عالم، جایگاه هستی‌شناختی انسان و اخلاقیات دارد، دیدگاه پیچیده‌ای در این خصوص دارد و به جوانب مختلفی درباره رابطه انسان و خدا پرداخته است. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل رابطه بین انسان و اهوره‌مزدا و با تأکید بر متون اوستایی و پهلوی در صدد پاسخگویی به چستی و چگونگی این رابطه است. از این جنبه، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای سامان یافته است. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت که در آموزه‌های زرتشتی، مهم‌ترین نوع رابطه بین انسان و خدا، رابطه وجودشناختی و تکوینی محسوب می‌شود. در بستر چنین رابطه‌ای است که انسان باید نسبت معرفتی خود با خدا را قوام بخشد و در چارچوب دیانت زرتشتی، پرستش خداوند و زیستن بر طبق قواعد راستین دین را سرلوحه زندگی خود قرار دهد تا بتواند آن‌گونه نسبتی را با خداوند برقرار کند که هم مؤید آشه/āša (نظم راستین و اهورایی عالم) هم سبب زوال اهریمن و هم موجب سعادت اخروی فرد مؤمن باشد. بنابراین، می‌توان گفت که در آموزه‌های آیین زرتشتی آن‌گونه که در متون اوستایی و پهلوی ظهور و بروز یافته است، رابطه تشریحی و سعادت‌شناختی / فرجام‌شناختی انسان با خدا، در ذیل رابطه وجودشناختی / تکوینی معنا پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی

انسان، اهریمن، اهوره‌مزدا، پدیدارشناسی، خدا.

* Email: ssmontazery@ut.ac.ir

مقدمه

آیین زرتشت دستاورد عظیم موبد ایرانی، زرتشت است که همه خدایان ایران باستان را معدوم کرد و تنها اهوره مزدا را به عنوان خدای یکتا مطرح کرد. زرتشت خود را دوست اهوره مزدا، پیرو راستی و دشمن واقعی دروغ و اهریمن معرفی می‌کند. رابطه بین انسان و اهوره مزدا بازتاب رابطه بین اهوره مزدا و زرتشت است. اما مسئله مهم این بوده که رابطه بین انسان و اهوره مزدا چگونه رابطه‌ای است؟ آیا معرفت و شناخت انسان از خویش و از اهوره مزدا در جهان هستی تأثیرگذار خواهد بود؟ امشاسپندان و ایزدان در این رابطه چه جایگاهی دارند؟ نقش انسان و خرد او و انتخاب او در جدال اهوره مزدا با اهریمن چیست؟ به نظر می‌رسد که آموزه‌های زرتشت در این زمینه رویکردی ترکیبی و چندبعدی را دنبال می‌کند، به این معنا که هم به نسبت هستی‌شناختی نظر دارد و هم به بعد نیایشی، اخلاقی و معرفتی می‌پردازد. از این جنبه باید نحوه ترتب اینها نسبت به انسان نیز هم در مقام ثبوت و هم اثبات مشخص شود. با توجه به این مطالب، پرسش اساسی مقاله چنین است:

در دین زرتشتی رابطه بین انسان و اهوره مزدا چه ابعادی دارد و نحوه ترتب آنها به چه صورت است؟

هدف این مقاله تبیین و تحلیل رابطه انسان و خدا در معنای اهوره مزدا و بررسی ابعاد این رابطه با تکیه بر آرای کلامی و تأکید بر متون دین زرتشتی بوده و روشی نیز که در این تحقیق استفاده شده، توصیفی - تحلیلی با رویکرد پدیدارشناختی است، بنابراین، داوری ارزشی در زمینه یافته‌های تحقیق در تعلیق قرار خواهد گرفت و صرفاً تشریح ابعاد مسئله مطمح نظر واقع شده است.

رابطه وجودشناختی بین انسان و اهوره مزدا

طبق تعالیم انسان/جهان‌شناختی زرتشتی، وجود انسان از وجود اهوره مزدا و انسان تجسم مادی اوست. اهوره مزدا به انسان عقل سلیم و خوی فرزادگی عطا کرده و انسان و جهان را

از یک سرشت و گوهر آفریده و انسان را به عالم صغیر و جهان را به عالم کبیر تشبیه کرده است (Gotze, 1923: 24 - 58, Reitzenstein and schaefer, 1926: 6, Duchesne-Guillemin, 1962: 354 - 358) شبیه‌انگاری انسان و جهان هستی نشاندهنده مسئولیت انسان در دنیای مادی و جایگاه او در نظام هستی خواهد بود. اهوره‌مزدا پس از خلق و آفرینش دنیای مینوی و امشاسپندان و ایزدان، انسان را از وجود و خوی خویش و با پنج بخش آفرید که شامل تن، جان، روان، آئینه و فروهر است. چنانکه در بندهش بخش چهارم می‌خوانیم که: نخست از مینویان هرمزد است. او از جهان مادی بن مردم را به خویش گرفت او را همکار آن سه دی اند، یکی گاه، یکی دین، و یکی زمان؛ همه دی نام، که مینوی همه آفرینش است. او مردم را به پنج بخش فراز آفرید: تن، جان، روان، آئینه و فروهر؛ چون تن، آن که ماده است...

(دینکرد مدن، فصل ۱۲۳؛ گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۶۶: 51 - 45؛ بندهش، ۴۸؛ Baily, 1943: 99). تن انسان همان بدن مادی است و جان که قابلیت نفس کشیدن است و روان که به‌وسیله آن ببیند و بگوید و بفهمد و آئینه که به خورشید پایه برمی‌گردد و فروهر که نزد اهوره‌مزدا و به عالم بالا بازمی‌گردد. روان مردم به فروهر می‌پیوندد تا روان‌ها از بین نروند و نمیرند. فروهر و روان نزد اهوره‌مزدا می‌ماند و سبب تقویت نیروهای اهورایی می‌شود (بهار، ۱۳۹۰: ۴۸). آفرینش انسان از وجود اهوره‌مزدا، بیانگر جایگاه بزرگ انسان در دستگاه آفرینش اهوره‌مزداست. او انسان را پاک و بی‌آلایش آفرید و به‌واسطه اختیار و آزادی اراده که به او داده، او را در نبرد با اهریمن و جهت یاری خودش شریک کرده است. اهوره‌مزدا انسان را از وجود خویش آفرید و صفاتی از خود را در انسان به ودیعه گذاشت. این اشتراک صفات رابطه‌ای بین انسان و اهوره‌مزدا ایجاد می‌کند که نتیجه آن تجسم مادی اهوره‌مزدا در انسان است و اهوره‌مزدا می‌تواند به‌وسیله این اشتراک صفات و تجسم مادی؛ به هدف نهایی یعنی نابودی اهریمن نائل شود (Skjaervø, 2011: 191 - 193). انسان و جهان در گوهر و سرشت با یکدیگر یکسان هستند، جهان را با همه پهنآوری و گوناگونیش در هم فشرده‌اند، انسان از آن پدید آمده است. انسان چکیده و فشرده جهان

بوده و در دیباچه آفرینش، جهان بزرگ (عالم کبیر) همانند جهان کوچک (عالم صغیر یا انسان) است (ژینیو، ۱۳۹۲، ۹۳ - ۷۱). یگانگی و همزادپنداری انسان و جهان در متون مخصوصاً در بندهش بخش نهم در باب چگونگی مردمان دیده می‌شود. «اعضا و جوارح انسان به اعضا و جوارح جهان تشبیه شده‌اند. پوست همچون آسمان؛ گوشت همچون زمین؛ استخوان همچون کوه؛ رگ‌ها همچون رودها؛ و خون در تن چون آب در رود؛ شکم چون دریا و موی چون گیاه است. آنجا که موی بیشتری رویده، همانند بیشه است، جسم مادی چون فلز است. دم برآوردن و فروبردن چون باد است. جگر چون دریای فراخکرت است. مغز چون روشنی بیکران و سر چون گردمان است. دو چشم چون ماه و خورشید است. دندان چون ستاره است. دو گوش چون دو روزن گردومان است. روان چون هرمزد است. هوش و فهم و دریافت، اندیشه و دانش و فهم همچون شش امشاسپند است که نزد هرمزد و جهت یاری او هستند. دیگر نیروهای مینویی درون تن، چون دیگر ایزدان مینویند. اهوره‌مزدا به تمام جهان و موجودات روشنی می‌بخشد و روان همچون اهوره‌مزدا است، به همه بدن روشنی و نیکی و نیرو می‌بخشد» (بهار، ۱۳۹۰: ۲۹) این همزادپنداری بین گیتی و انسان نشاندهنده مسئولیت انسان و جایگاه او در نظام هستی است و به انسان گوشزد می‌کند که علاوه بر انجام وظیفه در برابر اهوره‌مزدا، در برابر هستی نیز دارای وظایفی است.

رابطه معرفت‌شناختی بین انسان و اهوره‌مزدا

متون اوستایی، اهوره‌مزدا را متصف به صفاتی می‌کنند که همگی از انوار و توانایی اوست. در دیانت زرتشتی بر صفت یگانگی و خالقیت اهوره‌مزدا تأکید می‌شود. با یگانه برشمردن اهوره‌مزدا جایگاه اهریمن در دنیای مادی فرومی‌ریزد؛ چرا که برای هیچ موجودی منشأ وجود و خیر و برکت نیست و خالقیت اهوره‌مزدا از هدفدار بودن آفرینش و خلقت نشان دارد. بنابراین شناخت اهوره‌مزدا به‌عنوان خدای یگانه و خالق، موجب ایجاد رابطه محکمی بین انسان و اهوره‌مزدا می‌شود.

در سراسر گاهان، زرتشت اهوره‌مزدا را خدای توانا، آفریننده و دانا توصیف می‌کند. در

بالاترین نقطه آسمان جای دارد. او برترین هستی است و هستی همه موجودات از اوست. او روشن‌ترین موجودات محسوب می‌شود و بلندتر از بلندترین آسمان‌ها و قدیم‌تر از قدیم‌ترین موجودات عالم است. همه را به حرکت وامی‌دارد و کسی محرک او نیست. او کامل‌ترین موجود است. او همانی است که همیشه بوده و سرچشمه همه چیز است. او سرور همه و داناترین معرفی می‌شود و از همه چیز آگاه است و هیچ‌کس را یارای فریب دادن او نیست. در این زمینه در گاهان یسنه ۳۱ بند ۱۱ آمده است که:

هنگامی که تو ای مزدا در روز نخست از خرد خویش بشر و دین و قوه اندیشه آفریدی، در هنگامی که زندگانی را به قالب مادی درآوردی، وقتی که تو کردار و اراده آفریدی، خواستی که هر کس به حسب اراده خود از روی اعتقاد باطنی رفتار کند (Humbach, 1991: 126 - 130).

در ارداویرافنامه اهوره مزدا به صورت نوری توصیف شده است که دارای تن و جسم مادی نیست، بلکه وجودش نور و روشنایی است. «چه روشنی دیدم و تن ندیدم و بانگ شنیدم و دانستم که این اورمزد است» (ژینیو، ۱۳۷۲: ۹۴). بنابراین از اهوره مزدا درخواست می‌کند تا با بخشیدن خرد، وجدان و بینش به انسان، او را یاری دهد. اهوره مزدا نیز برای سهل کردن امر شناختن خود، خود را درهرمزدیشیت این‌گونه معرفی می‌کند:

آنگاه اهوره مزدا گفت: ای زرتشت پاک کسی که از او سؤال کنند، اسم من است؛ دوم کسی که گله و رمه بخشنده است؛ سوم کسی که تواناست؛ چهارم بهترین راستی؛ پنجم مظهر تمام موجودات پاک آفریده مزدا؛ ششم منم خرد، هفتم منم خردمندی؛ هشتم منم دانایی؛ نهم منم دانا... کسی که دست خصومت به او نرسد؛ پانزدهم مغلوب‌نشدنی؛ شانزدهم کسی که پاداش را در خاطر نگهدارد؛ هفدهم کسی که همه را نگهدار است؛ هیجدهم هم همه را درمان‌بخش است؛ نوزدهم منم آفریدگار؛ بیستم منم آنکه ملقب به مزداست (پورداوود، ۱۳۷۷، ۱: ۵۱).

بنا بر دیانت زرتشتی، منظور از یگانگی هستی این است که در جهان هستی حقیقت یکی است و سرچشمه و منشأ وجود همان حقیقت یکتاست که اهورا نامیده شده و همه موجودات

می‌نوی و مادی نمودهایی از آن هستند (آسانا، ۱۳۹۱: ۶۵). اهوره‌مزدا برای شناخت خود به انسان و ایجاد رابطه محکم با او، صفت یگانگی را برمی‌شمارد و بر آن تأکید می‌کند. انسان در اثر شناخت اهوره‌مزدا به‌عنوان خدای یگانه و بی‌شریک، درمی‌یابد که اهریمن در جهان هستی جایی ندارد. اهریمن برای هیچ موجودی منشأ خیر و وجود نیست. انسان با به‌دست آوردن طیب خاطر و یقین برای یاری دادن به تنها حقیقت هستی تلاش می‌کند و سعی در پیروی و اطاعت و یاری او دارد. زرتشت با معرفی و تأکید بر صفت خالقیت اهوره‌مزدا، به انسان گوشزد می‌کند که بیهوده خلق نشده است و اهوره‌مزدا از آفرینش او دارای هدفی بس والاست. زرتشت بارها با اهوره‌مزدا ملاقات کرده و با وی هم‌صحبت شده است و در این ملاقات‌ها یقین پیدا می‌کند که سرانجام سرآغاز هستی و خالق منش نیک اهوره‌مزدا است و اوست که آفرید اشه و داور کردارهای جهانیان خواهد بود (Humbach, 1991: 120 - 122). اوست که به انسان نیروی خرد، قدرت تشخیص و اراده عطا کرده است تا خود انتخاب کند که یاور نیروی خیر باشد یا نیروی اهریمن. یکی از وظایف مهم در آیین زرتشت، آگاهی دادن به مردم درباره اهوره‌مزداست. علاوه بر آسرونان و موبدان که در راه شناسایی اهوره‌مزدا اهتمام می‌ورزند، انسان‌های عادی نیز باید در این راه کوشش و تلاش کنند؛ زیرا شناخت اهوره‌مزدا و جایگاه او در نظام هستی، هدف آفرینش و بازگشت به کمال اولیه را تبیین می‌کند. آگاهی درباره اهوره‌مزدا از طریق موبدان، نماز و ستایش، دانش و بینش و خودشناسی محقق می‌شود. اهوره‌مزدا در اوستا بر راستی و درستی و صفات پسندیده تأکید می‌کند و مردم و بندگانش را از صفات ناپسند و دروغ و کژی بر حذر می‌دارد. اهوره‌مزدا با فرستادن زرتشت به‌عنوان پیام‌آورش سعی بر کمک به بندگان در این نبرد دارد. زرتشت گفتار جدیدی از حق و باطل بیان کرد. او سپتته‌مینو و انگره‌مینو را به گونه‌ای مطرح کرد که یکی مبدأ هدایت و ایمان و دیگری مبدأ ضلالت و تاریکی است (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۱۳۵). در قطعه ۳۲ بند ۳ گاهان آمده است که: «اما همه شما دیوان و آنانی که شما را می‌ستایند، از نژاد زشت‌منشانند، دروغ و خودستایی و از این قسم ...». نقش زرتشت در مقام فرستاده اهوره‌مزدا، پاک کردن جهان آمیخته به شر از پلیدی و نیروهای اهریمنی است و این تطهیر جز با معرفی و شناخت اهوره‌مزدا میسر نمی‌شود. با شناخت اهوره‌مزداست که بندگانش راه او را می‌شناسند و می‌پیمایند. بنابراین یکی از وظایف

مهم زرتشت، آگاهی دادن به مردم درباره اهوره‌مزدا بود، چرا که توسط این آگاهی است که می‌توانند اهوره‌مزدا را بشناسند و در راه کمک به او گام بردارند. زرتشت برای این امر از اهوره‌مزدا کمک می‌گیرد و از او درخواست یاری دارد (Humbach, 1991: 170 - 173). علاوه بر اینکه زرتشت در راه شناسایی اهوره‌مزدا و آیین اهورایی اهتمام می‌ورزد، پیروان دین اهورایی نیز باید برای شناسایی این دین گام‌هایی را بردارند، چرا که در آیین زرتشت انسان جزو برترین آفریده‌ها مطرح می‌شود که دارای عقل، اختیار و حق انتخاب است و آیین زرتشت نیز این ویژگی را دارد که شخص خود انتخاب کند که پیرو راستی یا بدی باشد (آموزگار، ۱۳۷۰: ۱۲۰). در نهایت انتظار اهوره‌مزدا از انسان، شناخت اهوره‌مزدا و انتخاب نیکی است و اینکه انسان خدایی و فرمانروایی دنیای مادی و مینوی را از آن اهوره‌مزدا بداند، امشاسپندان و ایزدان را ستایش کند و آنها را بزرگ بدارد، چنانکه در متن اندرزی اوشنر دانا آمده است که: «و بداند که رهبری مینو و گیتی از او پیدا شود و با مردمان اندر ستایندگی و سپاس بی‌شمار که اندر هرمزد خدای و امشاسپندان و هرویسپ مینوان نیک باید کوشا بودن، چه همچون که ما برترین آفریده هستیم، نخست چیز که به آن رود این داد (قانون) که ما به هماوندی (نیرومندی) و بزرگی و پیروگری هرمزد خدای و امشاسپندان و پیروگری و نیرومندی که اندر دین مزدیسنان آگاه بودن، چه اگر من بیگمانم که دادار هرمزد آفریدگان و آفریننده مینو و گیتی است» (میرزای ناظر، ۱۳۷۳: ۴۵). یکی از درخشان‌ترین تعالیم زرتشت، ارزش نهادن به عقل و خرد آدمی است. در آیین زرتشت نشانی از تعبد چشم و گوش بسته و ناآگاهانه وجود ندارد، بلکه از پیروان خود می‌خواهد که با خرد درست و منش پاک و روشن خویش، امور را ارزیابی کنند، از میان نیکی و بدی راهی را برای خود برگزینند، بپذیرند و به آن عمل کنند. چنانکه در گاهان یسن ۳۰ بند ۳ آمده است که: آن دو گوهر همزادی که در آغاز در عالم تصور ظهور نمودند، یکی از آن نیکی است در اندیشه و گفتار و کردار و دیگری از آن بدی؛ از میان این دو، مرد دانا باید نیک را برگزیند نه زشت را (Humbach, 1991: 123 - 125). در آیین زرتشت، خرد راهنمای انسان برای انجام وظایف بوده و یکی از ارزشمندترین خصلت‌های انسانی است (اشه، ۱۳۷۹: ۸۳). خرد در اوستا معانی گوناگون و گسترده‌ای دارد، ولی در مجموع نیروی پرازشی است که آگاهی و بینش فرد را نسبت به دنیای پیرامون و درون گسترش می‌دهد. خرد، آدمی را

با اورمزد همسان می‌کند. اورمزد از خرد همه‌آگاه برخوردار است، خردی که اورمزد از آن بهره‌مند بوده و اهریمن از آن بی‌بهره است (راشد محصل، بی‌تا: ۶۱). توسط خرد است که انسان چگونگی اندیشیدن درست و پاک اندیشیدن را می‌آموزد و دارنده خرد اشویی می‌شود. خرد اشویی به آدمی توانایی فهمیدن اهوره‌مزدا را می‌دهد. خردی که خود اهوره‌مزدا به انسان خوراند و او را برمی‌انگیزد که با اهوره‌مزدا همکاری کند تا در جهان سامان یا نظم استوار بماند (شاکد، ۱۳۸۷: ۷۶؛ 67: Menasce, 1973). خرد انسان پرتوی از خرد اهوره‌مزدا می‌باشد.

اگر انسان خرد را همراه با تعالیم زرتشت تربیت کند و آن را پرورش دهد و درست اندیشیدن را بیاموزد، زیربنای نیکی را که اندیشه نیک باشد، طی کرده است. توسط اندیشه نیک است که انسان طبق گفتار و کردار نیک عمل می‌کند و راه سعادت، شناخت و معرفت را می‌پیماید. خرد انوار حقیقت و پرتو محبت و صلح و سلامت را در قلب می‌تاباند و انسان را با راهنمایی حکمت و دانش، به سرمنزل سعادت ابدی هدایت می‌کند (دینکرد مدن: ۳۱۴/۵؛ ۳۱۵/۲؛ ۱۱۷/۸؛ ۱۱۹/۱۷) انسان با همه ابعاد وجودیش، اعم از مادی و معنوی، نیز پرتوی از وجود اهوره‌مزداست. اهوره‌مزدا جامع صفات خرد، راستی، شهریاری، عشق و فروتنی، کمال و جاودانگی بوده و تک‌تک این صفات را نیز در انسان به ودیعه می‌گذارد. از نگاه زرتشت این صفاتند که سبب رابطه تنگاتنگ میان انسان و اهوره‌مزدا می‌شوند و شناخت این صفات توسط انسان، به او کمک می‌کند که ابتدا هویت وجودی خویش و آنگاه اهوره‌مزدا را بشناسد. در گاهان یسن ۴۳ بند ۵ آمده است که: «آنگاه ترا مقدس شناختم ای مزدا اهورا، هنگامی بود که ترا نخستین بار در کار خلقت حیات ازلی دیدم؛ هنگامی بود که از برای گفتار و کردار زشت، سزای زشت و از برای کردار و گفتار نیک، پاداش نیک و از برای روز واپسین مقرر می‌داشتی» (Humbach, 1991: 123 - 125). خودشناسی با خرد و خردمندی مأنوس است. تنها شخص خردمند، به علت وجود فکر می‌کند و علت وجود و موجودیت را در درون خود می‌بیند. در ادیان مختلف، شناخت خدا و موجود برتر، سبب ایجاد معرفت و حکمت درباره خدا و پیرامونش می‌شود. رابطه معرفت‌شناختی اهوره‌مزدا و انسان، رابطه متقابل بین شناخت انسان از اهوره‌مزدا و یاری او برای رسیدن به هدف نهایی، نابودی کامل اهریمن و بازگشت به کمال اولیه است. بنابراین، اگرچه رابطه وجودشناختی امکان برقراری رابطه معرفتی بین انسان و

اهوره مزدا را فراهم می‌کند (مقام ثبوت)، با توجه به رابطه معرفتی است که پرده از رابطه وجودی برداشته می‌شود و انسان به کشف علمی چنان رابطه‌ای نائل می‌شود (مقام اثبات). در آموزه‌های زرتشتی، بالاترین درجه برقراری رابطه معرفتی زمانی خواهد بود که انسان، به شناخت خود روی آورد.

رابطه عبادی انسان و اهوره مزدا و همکاری در استکمال آفرینش

زرتشت از معرفی اهوره مزدا و اهریمن و داستان تازش اهریمن و اهوره مزدا و جایگاه او و سپس بیان چگونگی آفرینش دارای هدف است که مسئولیت انسان را در آفرینش تبیین و جایگاه انسان را مشخص می‌کند. زرتشت انسان را در مقابل جهان آفرینش مسئول می‌داند. جهان میدان نبرد بین انسان و عوامل مانع انسانی شدن جهان و جهانیان است. انسان عوامل الهی و دین الهی را در درون خود می‌بیند و در زندگانی مادی نیز، راه خدا را پیش می‌گیرد (گارودی، ۱۳۶۱، مجله آینده). در دیانت زرتشتی جایگاه انسان در نظام آفرینش همراه با شناخت هدف آفرینش تبیین می‌شود. از نظر تعالیم و آموزه‌های زرتشتی، اهداف آفرینش مقابله با اهریمن، پاک کردن آفرینش از آلودگی و پلیدی اهریمن و رواج دین مزدایی هستند. مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف آفرینش، بازگشت به کمال اولیه بوده و از آنجایی که انسان دارای اختیار و اراده است، بین نیکی و بدی یکی را برمی‌گزیند. فروهرهای مقدس از سوی اهوره مزدا وظیفه دارند که انسان را در این انتخاب و انجام وظیفه همراهی کنند. انسان با شناخت جایگاه اجتماعی و طبقاتی، وظیفه خود را در نظام اجتماعی جامعه خویش دریافت و با انجام وظیفه در آن جایگاه، به مسئولیت خویش در نظام آفرینش عمل می‌کند. دلیل استقرار و آفرینش آفریدگان از روز اول، نبود کردن دیوان، شکست دادن اهریمن و دروج، جدا کردن آفرینش از آلاینده‌ها و آلودگی اهریمن و منزه و پاکیزه کردن آفرینش است (کتابون مزداپور، ۱۳۷۸: ۴۱۵). یکی دیگر از دلایل آفرینش، رواج و آموزش دین کامل اهوره مزداست، چرا که شناخت آفریدگان نیک و انجام دادن کرفه و ثواب، به شناخت و پیروی از اهوره مزدا نیاز دارد که با آموزش و رواج دین اهورایی به نتیجه می‌رسد و راه رسیدن به هدف نهایی را هموار می‌کند و آفرینش از لوٹ وجود اهریمن

پاک می‌شود. در این زمینه، در دینکرد هفتم آمده است که: «مردمانی را که از پیوند کیومرثند، این چیز بهتر است که کار و کرفه (ثواب، عمل خیر) کنند و با کنش (کار) آن دروج دشمن خویش را شکست دادن. اندازه (به دست) پیوند دادن، که هر یک از شما را فریضه است، شکست دادن دروج رقیب خویش و آنچه با او باشد. آفرینش را از اهریمن بی‌پتیاره و پاک کردن و این است آن کاری که آفرینش دادار برای آن بود (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

اهوره‌مزدا برای مقابله با اهریمن، به واسطه امشاسپندان و ایزدان به انسان می‌آموزد که چگونه با اهریمن مقابله کند. اولین قدم برای مبارزه با اهریمن، حفظ پاکی تن و روان است. از آنجایی که جا و مکان اهریمن در جهان مادی و تن انسان‌هاست، هر کس باید به سهم خود اهریمن را از تنش بیرون کند. اگر اهریمن در تن و روان مردم جایی نداشته باشد، روز به روز ضعیف‌تر خواهد شد و در نهایت از بین خواهد رفت. اما اگر حتی یک دیو کوچک در تن انسان مهمان باشد، همچنان اهریمن در جهان باقی خواهد ماند (بویس، ۱۳۸۹: ۷۷). پاکی تن و روان در گرو انجام دادن اعمالی مثل «کار کرفه (ثواب) کردن» و خواندن نماز اشم وهو (نوعی دعا در دین زرتشتی) و به‌جای آوردن مراسم یسنه و نیایش اهوره‌مزدا و خویدوده کردن (ازدواج با محارم) است. هر فرد زرتشتی این اعمال را باید با مسرت و خوشحالی انجام دهد و با اندیشه و گفتار و کردار نیک، به جنگ اهریمن برود (بویس، ۱۳۸۹: ۹۸) و خویدوده کردن یکی از کارهایی است که به‌شدت اهریمن را تضعیف می‌کند و او را از بین می‌برد. دلیل مهم بودن این امر به حفظ نژاد اصیل و پاک و دور از وجود اهریمن بازمی‌گردد. زرتشتیان بر این عقیده بودند که شاید زن یا مرد از دیوان باشند و اصالت نژاد نیک و اهورایی را از بین ببرند. از طریق خویدوده کردن، کسانی که دارای سرشت دیوان هستند، وارد چرخه زاد و ولد نمی‌شوند و کالبد و تن مردمان بدسرشت نیز به تدریج قدرت خود را از دست می‌دهند و اهریمن از دنیای مادی خارج خواهد شد (کتایون مزدآپور، ۱۳۷۸: ۳۸۱). از دیگر راه‌های مبارزه با اهریمن، به‌جا آوردن مراسم یسنه و ستایش و نیایش اهوره‌مزدا بخصوص خواندن نماز اشم وهو است. در دیانت زرتشتی، زرتشت نخستین بشری است که نماز اشم وهو را به‌جای آورد و اهوره‌مزدا و امشاسپندان

را ستایش کرد. در هنگام تولد زرتشت، اهریمن از پهنه زمین گریخت. بر پا داشتن نماز توسط زرتشت، همچون سلاح و فلز گداخته‌ای بود که اهریمن را از زمین راند. در این زمینه در ارت‌یشت کرده ۲۵ بند ۲۰ - ۱۹ آمده است که: «در هنگام تولد و نشو و نمایش اهریمن بگریخت، از این زمین پهن کروی بعیدالحدود، این‌چنین گفت آن اهریمن زشت‌نهاد پرآسیب: همه ایزدان با هم نتوانستند مرا برخلاف اراده‌ام برانند، اما او، زرتشت، تنها مرا برخلاف اراده‌ام براند. او مرا بسوخت با نماز اهون وئیریه چنان سلاحی که مانند سنگی است به بزرگی خانه‌ای. او مرا بسوخت با نماز اشوهیشت گویی که مانند فلز گداخته (بسوخت) او چنان کرد که از برای من درگذشتن از زمین بهتر است، او به‌تنهایی مرا راند او اسپیتمان زرتشت» (ابراهیم پورداوود، ۱۳۷۷: ۱۹۰ و ۱۹۱). در متن پهلوی اوشنر دانا آمده است که خوراک و قوای اهریمن، از گناه مردم است. اگر مردم گناه کنند و بر طبق نظام اشته و نیکی رفتار نکنند، به اهریمن کمک و او را تقویت می‌کنند. اما اگر هوشیار باشند و بر طبق قانون‌های اشته رفتار کنند، به اهوره‌مزدا کمک و اهریمن را تضعیف می‌کنند و در نهایت او را از بین خواهند برد. اهریمن به دو روش انسان را فریب می‌دهد. اولین روش شیرین کردن عمل به شادی اندک آمیخته به گناه نزد انسان است و روش دوم دور نگه داشتن انسان از سرشت خویش و همیاری با اهوره‌مزدا و دور نگه داشتن انسان از ستیز با اهریمن است (میرزای ناظر، ۱۳۷۳: ۵۱).

در اندیشه زرتشت، خرد و نیک‌اندیشی انسان مقیاس کوچکی از خرد و نیک‌اندیشی اهوره‌مزداست. هر فردی که مطابق با خرد و نیک‌اندیشی و نیک‌گفتاری و نیک‌کرداری اهوره‌مزدا رفتار کند، به هم‌صحبتی با اهوره‌مزدا نائل خواهد شد. اندرز پوریوتکیشان بیان می‌کند برای انسان اشون فرض است که بداند از کجا آمده‌ام؟ چرا آفریده شده‌ام؟ به کجا خواهم رفت و از من چه می‌خواهند؟ (آسانا، ۱۳۹۱: ۶۶؛ Skjaervø, 2011: 192 - 193). هر فردی برای رسیدن به مقام هم‌صحبتی با اهوره‌مزدا باید پاسخ سؤال‌های بالا را بداند و البته باید بداند که در این آیین، انسان کامل باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد. در متن اندرزی یادگار بزرگمهر آمده که در دین بهی، کسی انسان کامل است که داناتر باشد و دانا کسی است که: «فرجام تن را بداند، دشمن روان را بشناسد

و خود را در پاییدن خویش از دشمن روان و بی‌بیم داشتن از آن بسیار توانا داند. فرجام تن، آشفته‌گی کالبد و دشمن روان، این چند دروج است که گناک مینو برای فریفتن و گمراه کردن مردمان، در برابر مردمان فراز آفرید» (آسانا، ۱۳۹۱: ۱۰۷). در اندیشه زرتشت، انسان کامل کسی است که ابتدا جهان پیرامونش را بشناسد و از شناخت جهان پیرامون، خود را بشناسد. خودشناسی در اندیشه زرتشت مقدمه‌ای برای شناخت اهوره‌مزدا و فهمیدن و درک هدف خلقت است.

فروهرها نیروی محرکه و خلاقه در جهان هستی هستند؛ اما قدرت و توان فروهرها با هم یکسان نیست و بعضی بر بعضی دیگر برتری دارند. فروهر اهوره‌مزدا همچنانکه خود توصیف می‌کند، بزرگ‌ترین، بهترین، داناترین و زیباترین فروهر است. در این زمینه در فروردین‌یشت کرده ۲۲ بند ۸ آمده است که: «در میان همه این فروهرهای ازلی، اینک فروهر اهوره‌مزدا را می‌ستاییم که بزرگ‌تر و بهتر و زیباتر و استوارتر و داناتر و خوش‌ترکیب‌تر و در راستی عالی‌رتبه است» (پورداوود، ۱۳۷۷: ۷۷). پس از فروهر اهوره‌مزدا، فروهرهای نخستین آموزگاران دین، سوشیانت‌ها، فروهر امشاسپندان جزو مقدس‌ترین و البته مؤثرترین فروهرها در نظام آفرینش هستند. نقش و جایگاه فروهرها در نظام آفرینش این است که به‌وسیله نیروی محرکه خود، از خصومت‌های اهریمن و اعمال اهریمن که سبب خراب شدن آفرینش می‌شود، جلوگیری کنند. اهوره‌مزدا به یاری و امداد فروهرها در حفاظت و بالندگی آفرینش می‌کوشد: «از فروغ و فرّ آنان است که من آسمان را در بالا نگه می‌دارم که از فراز نور افشانند که این زمین و گرداگرد آن را مانند خانه‌ای احاطه کرده است. از فروغ و فرّ آنان است ای زرتشت که من نگه می‌دارم زمین فراخ اهوراآفریده را، این (زمین) بلند و پهن را که حامل بسا چیزهای زیباست که حامل سراسر جهان مادی است، چه جاندار و چه بی‌جان و کوه‌های بلند را که دارای چراگاه‌های بسیار و آب فراوان است» (پورداوود، ۱۳۷۷: ۶۰). فروهرها علاوه بر وظایفشان در نظام آفرینش، در قبال انسان هم (که عالم صغیر است) مسئولند. فروهرها در برابر درخواست کمک از سوی مردان و زنان پاک، انسان را در برابر بدی و تاریکی و اهریمن یاری می‌دهند و اهوره‌مزدا با آفریدن فروهرها، انسان‌ها را در این نبرد یاری می‌دهد.

پیروان آیین زرتشت با توجه به آموزه‌ها و جهان‌بینی زرتشت، خود را در میدان نبرد بین اهوره‌مزدا و اهریمن می‌بینند و باید پیرو یکی از این دو مینو باشند. هر کس در نظر ایشان سربازی است که خواه‌ناخواه در صف اهوره‌مزدا یا صف اهریمن می‌جنگد و هر کار که برای آن برمی‌خیزد یا از آن خودداری می‌کند، خودبه‌خود به تقویت دستگاه اهوره‌مزدا یا دستگاه اهریمن می‌انجامد (Shaked, 1971: 62). در آیین زرتشت، اختیار یکی از ارزشمندترین داده‌های اهوره‌مزدا به آدمی محسوب می‌شود. اهوره‌مزدا آدمی را در اندیشیدن، رایزنی با خرد و قبول یا رد دین آزاد گذاشته و در مقابل، به انسان هشدار داده که در قبال انتخاب نادرست، از اعضای سپاه اهریمن است و بعد از مرگ دچار افسوس و اندوه خواهد شد. در گاهان یسن ۳۱ بند ۲۰ آمده است که: «کسی که به دوستار راستی بگردد، از او در آینده ذلت طولانی و تیرگی و خورش زشت و ناله و فغان دور ماند، اما شما ای دروغ‌پرستان، روزگارتان چنین خواهد بود اگر کردارتان رهنمای وجدانتان گردد» (Humbach, 1991: 129).

زندگی هر فرد صحنه مبارزه با اهریمن و قوای اوست و شخص از لحظه‌ای که دست به انتخاب می‌زند و راه خیر یا شر را برمی‌گزیند، وارد صحنه نبرد و مبارزه جهانی می‌شود و پیروی از اهریمن یا اهوره‌مزدا، موجب تقویت آنها می‌شود و زمینه را برای پیروزی نهایی آماده‌تر می‌کند. انتخاب در ظاهر امری شخصی است، اما در نهایت با نظام عالم ارتباط می‌یابد. در بندهش بخش ششم عنوان شده است که اهوره‌مزدا در ابتدا به انسان پیشنهاد کرد که می‌توانید در نبرد علیه اهریمن با تن مادی در کنار من باشید و اهریمن را نابود کنید، در این صورت شما را دوباره برانگیخته خواهیم کرد، جاودان و بی‌مرگ، یا تا ابد مینوی و جاودانه باقی بمانید؟ (بهار، ۱۳۹۰: ۵۵). انسان تن مادی را پذیرفت و به جهان مادی پا نهاد. دلیل انتخاب تن مادی این بود که اهریمن در جهان مینوی نفوذ نداشت و شخص نبود. هنگامی که اهریمن به آفرینش مادی می‌تازد، آن هنگام است که می‌شود با او مبارزه کرد (زنز، ۱۳۷۷: ۴۱). زرتشت بر اصالت اختیار تأکید می‌ورزد و اختیار و انتخاب را در تمامی مراحل زندگی انسان جاری و ساری می‌داند (Humbach, 1991: 128).

در کیش زرتشت امشاسپندان و ایزدان رابط بین انسان و اهوره‌مزدایند. هر کدام از امشاسپندان تجلی یکی از صفات اهوره‌مزدا در دنیای مادی محسوب می‌شوند. ایزدان نیز بعد از امشاسپندان از دستیاران اهوره‌مزدا هستند. اهوره‌مزدا به‌واسطه امشاسپندان با انسان ارتباط برقرار می‌کند و به واسطه آنان، انسان را تحت حمایت خود قرار می‌دهد و وظایف انسان را به او گوشزد می‌کند. بین انسان و امشاسپندان نوعی رابطه متقابل برقرار است. انسان در صورت فرمانبرداری و پرستش و یزشن کردن امشاسپندان، نیروی امشاسپندان را تقویت می‌کند. در غیر این صورت از نیروی آنها می‌کاهد و در نتیجه، نیروهای اهورایی را تضعیف می‌کند. ایزدان نیز رابط بین اهوره‌مزدا و انسان هستند. ایزد سروش دعاها و نیایش‌های انسان را به محضر اهوره‌مزدا می‌رساند. ایزد آذر از انسان در برابر تاریکی اهریمن و ایزد مهر از پیمان انسان با اهوره‌مزدا در برابر اهریمن محافظت می‌کند. امشاسپندان در جهان مینوی و مادی جایگاه والا و بزرگی دارند و دارای وظایف بی‌شماری در جهان مادی و مینوی هستند. امشاسپندان اقلیمی هستند که به‌علت تجرد از ماده، در سلسله‌مراتب موجودات، از جایگاه رفیع برخوردارند و به‌سبب فراغ از قوه و استعداد، از شائبه نقص دورند و از آنجا که بین مجردات عقلی، حجاب غلیظ ماده وجود ندارد، از یکدیگر نیز غایب نیستند و در بین آنها یکرنگی و اتحاد کامل وجود دارد و چون در فعلیت شدیدند، بر موجودات مادون خود قاهر و غالب خواهند بود (عالیخانی، ۱۳۷۹: ۶۷). در عالم مینوی اهوره‌مزدا به همراه امشاسپندان و دیگر ایزدان، سلطنتی روحانی تشکیل داده‌اند و هر آنچه در عالم مینوی و مادی موجود است، تحت حمایت یکی از امشاسپندان و ایزدان قرار دارد. حتی در باطن موجودات نیز فروهر را که نور ایزدی محسوب می‌شود، به ودیعه گذاشته است. اهوره‌مزدا از طریق فروهرها که با امشاسپندان رابطه مستقیم دارند و گاهی خود از پرتو امشاسپندان هستند و همچنین از طریق نرمش و ستایش، با انسان ارتباط همیشگی دارد. از آنجایی که امشاسپندان همه از وجود اهوره‌مزدا آفریده شده‌اند، در اندیشه، گفتار و کردار یکی هستند؛ اگرچه در دنیای مادی هر یک موکل امری محسوب می‌شوند، در هدف یکسان هستند. مثلاً در فرودین‌یشت کرده ۲۳ بند ۸۳ - ۸۲ آمده است که: «هر هفت یکسان اندیشند، هر هفت یکسان سخن گویند، هر هفت یکسان عمل کنند که در

اندیشه یکسان، در گفتار یکسان، در کردار یکسانند و همه را یک پدر و سرور است، اوست اهوره مزدا».

هر کدام از امشاسپندان در دنیای مادی موکل امری مادی است. بهمن فرشته پاسدار گله و رمه و نگهبان گاو مقدس؛ شهریور نگهبان فلزات و در امور انسانی حافظ دارایی و کوشش؛ اردیبهشت در طبیعت پاسدار آتش و نگهدار سلامتی تن انسان و به نوعی نگهبان انسان اشون است تا درست انتخاب کند؛ اسفند نگهبان زمین و در میان انسان، حامی و راهنمای احساسات و قلوب آدمیان؛ خرداد نگهبان آب سلامتی بخش و راهنمای انسان جاوید و امرداد نگهبان گیاهانی تداوم بخش و بخشنده بهترین زندگی و بی‌مرگی است (فضیلت، ۱۳۸۱: ۶۹ تا ۷۱). وظیفه انسان در برابر امشاسپندان این است که با پیروی از اندیشه و منش نیک و برقراری اشته در نظام عالم، سبب شهریاری نیک و بارور شدن زمین، موجودات و انسان شود و با خودشناسی به جاودانگی دست یابد و نیروهای اهورایی و خیر را افزایش دهد و مقابل اهریمن بایستد. امشاسپندان واسطه فیض بین انسان و اهوره مزدا هستند (Narten, 1986: 26). در «گزیده‌های زادسپرم» فصل ۲۲ آمده که از نیک‌ترین اعمال در آیین زرتشتی، فرمانبرداری از امشاسپندان است (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۶۸). همچنین «شایست نشایست» اشاره دارد که فرد با ستایش امشاسپندان و فرمانبرداری کردن از آنان، حمایت امشاسپندان را به دست می‌آورد، اما در صورت ستایش نکردن و یزشن نکردن آنان، امشاسپندان نمی‌توانند در هنگام گرفتاری از آنان محافظت کنند (مزدایور، ۱۳۹۰: ۱۱۵). روایات پهلوی هم ستایش نکردن امشاسپندان و فرمانبرداری نکردن از آنان را سبب تضعیف نیروهای اهورایی می‌دانند. اما با ستایش و فرمانبرداری و عمل به آنچه وظیفه انسان است، نیروی خیر قوت می‌گیرد و در جدال با اهریمن و دیوان، به پیروزی دست می‌یابد (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۳۶۳). در آیین زرتشت، سروش رابط بین انسان و اهوره مزداست. اهوره مزدا صدای انسان را توسط سروش می‌شنود و سروش اطاعت و فرمانبرداری را به انسان می‌آموزد، سروش روح یا نیروی شنیدن است که توسط آن، انسان فرمان اهوره مزدا را می‌شنود و اطاعت می‌کند و اهوره مزدا به نیایش انسان گوش

می‌دهد. به واسطه شنیدن نیایش انسان توسط اهوره‌مزدا و فرمانبرداری و اطاعت از سوی انسان است که فرد مؤمن و اشون به بارگاه اهوره‌مزدا راه می‌یابد. سروش در مقابل انسان و دنیای مادی نیز وظایفی دارد. وظیفه سروش این است که به انسان‌ها راه اطاعت را نشان دهد و به انسان رسم بندگی را بیاموزد. سروش اولین موجودی است که مردم را به ستایش و نیایش اهوره‌مزدا امر کرد و اولین کسی است که دین را به انسان آموخت (Kreyenbroek, 1999: 3 - 10). در آیین زرتشت، انسان از سروش می‌خواهد که از او در مقابل اهریمن و دستیارانش محافظت کند و به انسان صحت، سلامت و نیرو دهد تا بتواند در مقابل اهریمن ایستادگی کند و هدف اشون از این درخواست، پیروزی اهوره‌مزدا بر اهریمن است (آسانا، ۱۳۹۱: ۶۴). رابطه وجودشناسی اهوره‌مزدا و انسان، نوعی ایجاد رابطه از طرف اهوره‌مزدا نسبت به انسان محسوب می‌شود. اهوره‌مزدا با عطای نوری از انوار الهی به انسان، فراهم کردن زمینه فعالیت فروهرها، امشاسپندان، ایزدان و قرار دادن آنها به عنوان رابط بین انسان و خودش، انسان را به شناخت وجود خویش ترغیب می‌کند. انسان در اثر شناخت منشأ و ماهیت وجود خویش، به جایگاه خود در نظام آفرینش پی می‌برد و با شناخت هدف آفرینش، با اهوره‌مزدا ارتباط برقرار می‌کند و او را در رسیدن به هدف نهایی یاری می‌رساند.

رابطه فرجام‌شناختی بین انسان و اهوره‌مزدا

یکی از مبانی اعتقادات زرتشتی، اعتقاد به بقای روح و حیات پس از مرگ است. از مختار بودن انسان و اعتقاد به بقای روح درمی‌یابیم که یکی از اصول محکم در دیانت زرتشتی، اعتقاد به روز جزاست. این اعتقاد انسان را به انجام دادن و رعایت وظایف مذهبی الزام می‌کند و هرگونه نابرابری و بی‌عدالتی را که در دنیا می‌بیند، با شکیبایی تحمل می‌کند و با چشم داشتن به سرای دیگر، از راه راست خود دست نمی‌کشد (باقری، ۱۳۸۵: ۵۲). بنابراین انسان در انتخاب بین نیکی و بدی، باید دقت بسیار داشته باشد تا با عمل به خرد فطری و اکتسابی، مفهوم رستاخیز را دریابد و بداند که برای رسیدن به سعادت باید از

اهوره مزدا پیروی و بر طبق آیین بهی عمل کند تا در دام اهریمن نیفتد و با انتخاب بد و اشتباه، سبب تحمل رنج و سختی خود در جهان دیگر نشود (میرزای ناظر، ۱۳۷۳: ۵۱). در دیانت زرتشتی انجام دادن کرفه و به دست آوردن ثواب، تنها در دنیای مادی صورت می پذیرد. هنگامی که روح از تن جدا می شود، دیگر نمی تواند از نتیجه اعمال خود فرار کند یا چیزی به اعمالش از نیکی یا بدی بیفزاید. عمل و کرفه فرزندان و نوادگان، سبب رستگاری خودشان می شود و روان تنها به دلیل عمل به نیکی، رستگار می شود (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۲۳۲). نتیجه انتخاب نیکی و بدی در زندگی مادی چندان ملموس نیست و انسان عهد اولیه با اهوره مزدا را فراموش می کند، گاهی از او پیروی می کند و گاهی بر قوای اهریمن می افزاید. اما در دنیای پس از مرگ و عالم مینوی، نتیجه انتخاب ملموس و آشکار است و اولین نشانه هایش در سه روز اول مرگ خود را نشان می دهد. با مواجهه با ایزد دئنا و آنگاه عبور از چینود پل، درک و فهم نتیجه انتخاب نیکی و بدی، به حد اعلائی خود می رسد. اهوره مزدا با فرستادن برخی به همیستگان و برخی به دوزخ، آنها را به همان حال رها نمی کند؛ بلکه آنها را تطهیر می کند و آنان در نبرد نهایی با اهریمن به یاری اهوره مزدا خواهند آمد (ویدنگرن، ۱۳۸۱: ۱۶۸). در دیانت زرتشتی نومیادی و بدبینی وجود ندارد. در متون مقدس زرتشتی، انسان را به فتح و ظفر، پیروزی بر اهریمن و جاودانگی بشارت داده اند، از این رو در این آیین بشارت ظهور منجیان داده شده است.

منجیان به دو گروه تقسیم می شوند، دسته نخست شامل پهلوانان و مقدسانی هستند که در گذشته های دور می زیستند و سپس جاودانه شدند و هرکدام در جایی پنهانند تا در زمان مقرر خود را آشکار کنند و با یاری رساندن به منجیان، برای پیروزی راستی بکوشند؛ دسته دوم منجیانی هستند که پیشتر زاده نشده اند و به طرز معجزه آسایی از زرتشت پدید می آیند، که عبارتند از اوشیدر، اوشیدر ماه و سوشیانس (Hintze, 1995: 83 - 88). در زامیادیشت بندهای ۹۶ - ۸۸ مطالبی با این مضمون آمده است که پس از ظهور منجیان، دروغ و خشم از جهان پاک می شود و اهریمن نابود و جهان سراسر نور و پاکی خواهد شد. پس از ظهور سوشیانس جهان مملو از عدل و داد می شود، سعادت افزونی می یابد، پندار نیک و گفتار نیک

و کردار نیک پیروز و جهان از دروغ پاک می‌شود و خشم، نابود و راستی بر دروغ چیره می‌آید. رفتار پاک، رفتار ناپاک را شکست می‌دهد و خرداد و امرداد امشاسپند، دیوهای گرسنگی و تشنگی را برمی‌اندازند و اهریمن می‌گریزد (Hintze, 1998: 84; Humbach and Ichaporia, 1998: 67; 1994). اهوره‌مزدا سوشیانت‌ها را برای هدایت مخلوقات و فراهم کردن مقدمات پیروزی خیر بر شر مبعوث کرده است. سوشیانت‌ها برای یادآوری به انسان‌ها، خلق و مبعوث می‌شوند. سوشیانت‌ها آیین دینداری و رستگاری را برای مردم دوباره یادآوری و عهد زرتشت با اهوره‌مزدا را تجدید می‌کنند. درگاهان یسنه‌های ۴۶ بند ۲ و ۳۴ بند ۱۳ فضایل و صفاتی را برای سوشیانت شمرده‌اند، از جمله: برخوردار از دئناى فزونى‌بخش، دارای نیروی خرد و اندیشه، بر اندیشه نیک گام‌بردارنده و سخاوتمند است. اهوره‌مزدا را می‌پرستد و از فرمان‌های مورد پسند او پیروی می‌کند (Humbach, 1991: 142). سوشیانت با داشتن این فضایل و صفات و برتری بر سایر انسان‌ها، در جهان هستی وظایفی دارد. اولین وظیفه سوشیانت این است که گیتی را نو می‌کند. یک گیتی بدون پیری، نمردنی، نگندیدنی، نپوسیدنی، جاودان زنده، سوددهنده، پر از خوشبختی، در آن هنگامی که مردگان دگرباره برخیزند و به زندگان بی‌مرگی روی کنند، آنگاه سوشیانت به خواست خود جهان را تازه کند (Hintze, 1994: 68; Humbach and Ichaporia, 1998: 85). از دیگر وظایفی که برای سوشیانت‌ها بر شمرده‌اند، به کمال رساندن آیین زرتشت است که با این امر، همه آفریدگان اهوره‌مزدا آسوده و ایمن از دشمن خواهند بود. در دینکرد پنجم فصل ۲ بند ۱۴ آمده است که: «برای این دین پاک، او نوآورانی که آن را به کمال رواج دهند (منظم کنند)، اوشیدر، اوشیدرماه و سوشیانس هستند و با رواج کامل این دین اورمزد، همه آفریدگان خوب، آسوده از دشمن و در آسایش کامل باشند» (آموزگار، ۱۳۸۶: ۳۴). مهم‌ترین و آخرین وظیفه سوشیانت، یاری اهوره‌مزدا در جنگ با اهریمن است. چنانکه در زامیادیشْت بند ۹۶ - ۹۳ بیان می‌کند که: «دروغ را از جهان راستی بیرون خواهد برد. او با چشمان خود خواهد دید، همه آفرینش را خواهد دید، او با چشمان بخشنده، همه جهان مادی را خواهد نگرست و با دقت، همه جهان مادی را

بی‌مرگ خواهد کرد. راستی بر دروغ بدنژاد پلید غلبه خواهد یافت» (Hintze, 1998: 86; Humbach and Ichaporria, 1994: 69). اهوره‌مزدا ابتدا با تعلیمات زرتشت، انسان را برای نبرد با اهریمن آماده کرد. پس با ظهور هوشیدر به انسان یادآوری می‌کند که در جهت تقویت نیروهای اهورایی بکوشد. طبق اندیشه و گفتار و کردار نیک عمل کند و از بدی و کژی بپرهیزد. اما انسان دوباره به ورطه ظلم و ستم و فساد می‌افتد. آنگاه هوشیدرماه ظهور می‌کند. او نیز به مؤمن زردشتی یادآور می‌شود که باید خیر و نیکی را گسترش دهد، به وسیله یزش و کرفه و نماز، قدرت اهورایی را بیشتر و نیروهای اهورایی را نیرومندتر کند و به وسیله دوری از بدی، از نیروی اهریمن بکاهد. بر اساس متون مقدس زرتشتی، بعد از نبرد اهوره‌مزدا و اهریمن و شکست و نابودی اهریمن، جهان به کمال اولیه خود بازمی‌گردد و رابطه انسان و اهوره‌مزدا، با قبل از آن متفاوت می‌شود. در فرشگرد یا بازگشت به کمال اولیه، جایگاه زمین تغییر می‌کند. زمین تا به ستاره پایه بالا می‌رود و گرزمان نیز تا به ستاره پایه فرود می‌آید و هر دو یکی می‌شوند و همه مردمان و ایزدان در یک جا و در کنار هم به سر می‌برند. زمین که عرش خداوند بر آن سامان یافته، صاف و بدون پستی و بلندی می‌شود (میرفخرایی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). همه جا بهشت می‌شود و رامش، شادی و برکت در این جای فراخ، جاودانه خواهد شد. وضعیت مردم نیز در فرشگرد متفاوت می‌شود. جهانی ایجاد خواهد شد که تحت سیطره اهوره‌مزداست و بر اساس قانون‌های اشته اداره می‌شود. شکل ظاهری و سن و سال مردم نیز در جهان فرشگردی متفاوت است. کسانی که در زندگی مادی گوشت خورده باشند، همچون فردی چهل‌ساله برانگیخته می‌شوند و آنان که گوشت نخورده‌اند، همچون جوانی پانزده‌ساله برمی‌خیزند (میرزای ناظر، ۱۳۷۳: ۷۷). بعد از نبرد نهایی با اهریمن و نابودی اهریمن، انسان به مرحله‌ای می‌رسد که همانند مینویان می‌بیند و فکر می‌کند و این حالت یکی از پاداش‌های نیکان است. در این حالت فریب دیوان و بدی دروج، به صورت شفاف برای انسان آشکار می‌شود و ستایش و مهرورزی به اهوره‌مزدا فزونی می‌یابد (Humbach, 1991: 176 - 177). در دین زرتشتی کسانی که در جهان مادی با درست‌منشی و

راستگویی زیسته باشند و طبق نظام اشته رفتار کرده باشند، در دوران فرشگرد در شهریار می‌نوی و قلمروی پادشاهی اهوره‌مزدا و در پناه او، جاودانه خواهند زیست. اهوره‌مزدا به پاس تحمل سختی و مبارزه علیه اهریمن توسط انسان، او را گرامی می‌دارد و همچنان که در جهان مادی به او نیکنامی و نیکی عطا کرده بود، در جهان مینوی او را در بهشت همراه با شادی و رامش و تحت شهریار می‌نوی خویش قرار می‌دهد (میرفخرایی، ۱۳۸۶: ۱۵۴). بزرگ‌ترین پاداش برای انسان، مصاحبت و دیدار با اهوره‌مزدا است. انسان از ذات اهوره‌مزدا آفریده شده است. انسان خود را متعلق به اهوره‌مزدا می‌داند و یقین دارد که وجودش از وجود اوست. انسان رنج و مشقت تن مادی و مبارزه با شر و بدی را پذیرفته است تا به یاری اهوره‌مزدا بشتابد و حال که اهریمن از بین رفته، مصاحبت و دیدار با اهوره‌مزدا، برای انسان بزرگ‌ترین پاداش و مزد انتخاب نیکی‌هاست (پوردادوود، ۱۳۴۳: ۲۸). زرتشت تأکید می‌کند که مشاهده اهوره‌مزدا، تنها پاداش مردمان پاک است (پوردادوود، ۱۳۷۷: ۱۴۱). اهوره‌مزدا در برابر تحمل رنج و سختی از سوی انسان در برابر اهریمن، بزرگ‌ترین آرزوی انسان یعنی جاودانه زیستن در شهریار می‌نوی و مصاحبت با اهوره‌مزدا را به او عطا می‌کند. رابطه بین انسان و اهوره‌مزدا در فرجام‌شناختی زرتشتی گاهی غیرمستقیم است. سرنوشت و فرجام انسان با مرگ پایان نمی‌پذیرد و انسان با توجه به پیروی از اهوره‌مزدا یا پیروی از اهریمن، باید جوابگوی انتخاب خود باشد. در پایان جهان و رستاخیز، انتخاب انسان نقشی اساسی دارد. انسان با نیکی و پیروی از اهوره‌مزدا، نیروهای او را تقویت می‌کند و در پایان جهان سبب تقویت اهوره‌مزدا و تضعیف اهریمن و بازگشت به کمال اولیه می‌شود. با آغاز دوران فرشگرد، رابطه جدید و بی‌پایانی بین اهوره‌مزدا و انسان آغاز می‌شود و انسان در شهریار می‌نوی اهوره‌مزدا و در مصاحبت با او به سر می‌برد.

نتیجه‌گیری

در متون زرتشتی اهوره‌مزدا دنیای مادی و به تبع آن انسان را خلق کرده است تا در جدال

با اهریمن، همیار و همکار او باشد. اهریمن در جهان مینوی نمی‌تواند ظهور و بروز داشته باشد، اما در دنیای مادی تأثیرگذار است و توانش را از دنیای مادی به‌دست می‌آورد. از آنجا که وجود انسان و انتخاب نیکی و بدی توسط او در تقویت یا کاهش نیروهای اهورایی و اهریمنی تأثیر مستقیم دارد، بین انسان و اهوره‌مزدا رابطه خاصی برقرار می‌شود. انسان و اهوره‌مزدا با یکدیگر دارای رابطه وجودشناختی، معرفت‌شناختی، عبادی و فرجام‌شناختی هستند. در رابطه وجودشناختی، انسان با شناخت خویش و شناخت جایگاه خود در هستی و نقش تأثیرگذار خود در پیکار بین نیکی و بدی، رابطه خود با اهوره‌مزدا را محکم می‌کند. در رابطه معرفت‌شناختی، انسان با شناخت صفات اهوره‌مزدا و جایگاه او در هستی، به رابطه بین خود و اهوره‌مزدا عمق می‌بخشد و رابطه دوستانه و عمیقی بین اهوره‌مزدا و انسان ایجاد می‌شود، رابطه‌ای که در آن انسان نماینده اهوره‌مزدا در زمین امشاسپندان و ایزدان رابط بین انسان و اورمزدا هستند. انسان با دستورات می‌آموزد که چگونه بر طبق اشته رفتار کند تا بتواند اهوره‌مزدا را در راه غلبه بر اهریمن یاری دهد. رابطه فرجام‌شناختی بین انسان و اهوره‌مزدا، نتیجه منطقی شناخت هر دو سمت رابطه توسط انسان است. در نسبت فرجام‌شناختی، رابطه بین انسان و اهوره‌مزدا شکل جدیدی می‌یابد. با نابودی اهریمن و ایجاد فرشگرد، انسان در شهریاری مینوی جاودانه می‌شود و به مصاحبت با اهوره‌مزدا نائل خواهد شد. در بررسی ابعاد وجودشناختی، معرفت‌شناختی، عبادی و فرجام‌شناختی، می‌توان سیر تحول تفکر زرتشتی و اهمیت انسان و جایگاه او را در دین زرتشت فهمید و همچنین می‌توان تصدیق کرد که این رابطه وجودشناختی است که امکان برقراری روابط دیگر را فراهم می‌کند.

کتابنامه

۱. آسانا، جامسب (۱۳۹۱). *متن‌های پهلوی، ترجمه سعید عریان*، تهران: نشر علمی.
۲. آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد (۱۳۷۰). *اسطوره زندگی زرتشت*، تهران: انتشارات بهمن.
۳. _____ [مترجم] (۱۳۸۶). *کتاب پنجم دینکرد*، تهران: انتشارات معین.
۴. اشه، رهام؛ سراج، شهین [مترجم] (۱۳۷۹). *اندرزنامه آدریاد مهرسپندان*، تهران: انتشارات فروهر.
۵. باقری، مهری (۱۳۸۵). *دین‌های ایران باستان*، تهران: نشر قطره.
۶. بویس، مری (۱۳۷۷). *چکیده تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، چ اول، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
۷. _____ (۱۳۸۹). *زردشتیان باورها و آرا و عقاید آنها*، ترجمه عسگر بهرامی، چ یازدهم، تهران: انتشارات ققنوس.
۸. فضیلت، فریدون [مترجم] (۱۳۸۱). *دینکرد*، کتاب سوم، تهران: انتشارات فرهنگ دهخدا.
۹. پورداوود، ابراهیم (۱۳۴۳). *ویسپرد، بهرام فره‌وشی*، تهران: انتشارات بهمن.
۱۰. _____ (۱۳۷۷). *یشت‌ها*، جلد ۲، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۱. بهار، مهرداد [مترجم] (۱۳۹۰). *بندهش، چ چهارم*، تهران: انتشارات توس.
۱۲. دورانت، ویل (۱۳۷۸). *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. راشد محصل، محمد تقی (بی‌تا). *انسان در ایران باستان*، ضمیمه نامه انسان‌شناسی، بی‌جا: بی‌نا.
۱۴. _____ [مترجم] (۱۳۸۹). *دینکرد هفتم*، چ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. _____ [مترجم] (۱۳۶۶). *وزیدگی‌های زاداسیرم*، چ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۶. زنز، آرسی (۱۳۷۷). *تعالیم مغان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات توس.
۱۷. ژینیو، فلیپ (۱۳۷۲). *ارداویرافنامه*، ترجمه زاله آموزگار، تهران: انتشارات معین.
۱۸. _____ (۱۳۹۲). *انسان و کیهان در ایران باستان*، ترجمه لیندا گودرزی، تهران: نشر ماهی.
۱۹. عالیخانی، بابک (۱۳۷۹). *بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیقی اوستایی*، چ اول، تهران: انتشارات هرمس.
۲۰. گارودی، روژه (۱۳۶۱). *درباره اندیشه‌های زرتشت*، ناصح ناطق، مجله آینده، تهران، شماره ۶، شهریور.
۲۱. مزداپور، کتیون (۱۳۷۸). *بررسی دست‌نویس م. او. ۲۹*، تهران: انتشارات آگه.
۲۲. _____ [مترجم] (۱۳۹۰). *شایست نشایست*، چ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۳. میرزای ناظر، ابراهیم [مترجم] (۱۳۷۳). *اندرز اوشنر دانا*، چ اول، تهران: انتشارات هیرمند.
۲۴. میرفخرایی، مهشید [مترجم] (۱۳۹۰). *روایت پهلوی*، چ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۵. _____ [مترجم] (۱۳۸۶). *هادخت نسک*، چ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۶. ویدنگرن، گئو (۱۳۸۱). *جهان معنوی ایرانی از آغاز تا اسلام*، محمود کندی، تهران: انتشارات میترا.

27. Baily, H. W. , (1943). *Zoroastrian Problems in the Ninth-Century Books*, Ratanbai Katrak Lectures, Oxford; 2nd ed. With new introduction.
28. Duchesne-Guillemin, J.,(1962). *La religion de l'Iran anccien* (Presses Universitaires de France: Paris, trans, Kaihusroo M. Jamasp Asa, *The Religion of Ancient Iran*(Bomboy: Tata Press. 1973).
29. Götze, Al., (1923). "Persische Weisheit in griechischem Gewande. Ein Beitrag zur Geschichte der Mikrokosmos-Idee", *Zeitschrift für Indologie und Iranistik*2: 60-98, 167-177.

30. Hintze, A. (1994). *Der Zamyad-Yast. Edition, übersetzung, Kommentar* (Wiesbaden: Reichert).
31. Humbach, H. and Ichaporia, P.(1998). *Zamyad yasht: Yasht 19 of the Younger Avesta*. Text, Translation, Commentary (Wiesbaden: Harrassowitz).
32. Humbach, H., (1991). *The GATHAs of Zarathushtra and other old Avestan texts*, in collaboration with J. Elfenbein and p.o. Shjaervó, 2 vols. (Indogermanische Bibliothek, Reihe1), Heidelberg.
33. Madan(ed), D. M. (1911). *The complete text of the Pahlavi Dinkard*, 2 vols., Bombay.
34. Menasce, J. P., *Le troisieme livre du Denkart, Traduit du pehlevi* (Paris: Libraire C.Klincksieck).
35. Narten, J. (1986). *Yasna Haptanghaiti*, Wiesbaden.
36. Reitzenstein, R.; and H. H. Schaeder, (1926). *Studien zum antiken Synkretismus-Aus Iran und Griechenland*(Studien der Bibliothek Warburg, 7), Leipzig.
37. Shaked, S. (1971). “ The Notion ‘menog’ and ‘getig’ in the Pahlavi Texts and their Relation to Eschatology”, *Acta*33: 59-107; repr: in Shaked 1995: 59-107.
38. Shjaervó, P. O., (2011). *The Spirit of Zoroastrianism* (New Haven, CT/London: Yale University Press).
39. Vevaina, Y. S. D. (2015). “ *Theologies and Hermeneutics*” in *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*, First Edition, Ed by Michael Stausberg and Yuhán Sohrab-Dinshaw Vevaina, WILEY Blackwell, UK.